



# انترناسیونال

## ۳۳۶

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳۰ بهمن ۱۳۸۸، ۱۹ فوریه ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

سرمدییر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

### مانیفست آزادی زن در ایران به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن

صفحه ۳

#### پیش به سوی هشت مارس گسترده و بین المللی در همه جای دنیا



مینا احدی

تنها چند هفته به هشت مارس روز جهانی زن باقی مانده است. امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی زن می رویم، که در ایران یک انقلاب عظیم علیه یکی از زن ستیزترین حکومت‌های دنیا در جریان است.

زنان و مردم در ایران به پا خاسته اند و در کشاکش یک نبرد عظیم و قهرمانانه علیه یکی از دیکتاتورترین حکومت‌های قرن مبارزه میکنند. ۸ مارس امسال می تواند و باید به یک روز جهانی

در همبستگی با جنبش برابری طلبانه زنان ایران و انقلاب رهاثیبخش مردم ایران تبدیل  
صفحه ۲

#### دور انداختن حجابها تعرضی مرگبار به رژیم

به استقبال یک هشت مارس بی حجاب برویم



شهلا دانشفر

صفحه ۸

حجاب پرچم و سمبل رژیم اسلامی است. جمهوری اسلامی با اجباری کردن حجاب، بنای حکومت آپارتاید جنسی، حکومتی که اساسش تحقیر و توهین و بیحرمتی به زن و کل جامعه است را گذاشت. از همین رو ضدیت با زن هویت وجودی این حکومت است و سفت نگهداشتن رعایت

#### پیشروی انقلاب، بالندگی چپ و افول اصلاح طلبان حکومتی



محمد آسنگران

میشود و ادامه این روند نتایجی را ببار خواهد آورد که تعادل قوا و موقعیت جریانات سیاسی دخیل در ایران شباهتی به

صفحه ۶

واقعیت را در یک سطح کلی و عمومی میتوان چنین بیان کرد: شکست سیاستهای رژیم، سیر رو به افول اصلاح طلبان حکومتی و بالندگی چپ و رادیکالیسم در جامعه. این تصویر روز به روز عیان تر

روند رو به پیش مبارزات مردم در ایران و خارج کشور علیه جمهوری اسلامی در چند ماه اخیر بویژه از مقطع ۱۳ آبان و ۱۶ آذر تا ۶ دی و بالاخره ۲۲ بهمن یک واقعیت انکار ناپذیر را جلو جامعه قرار داد. این

#### بازتاب هفته:

یاشار سهندی  
سیامک بهاری  
محمد شکوهی  
بهروز مهر آبادی

\* تلاش حقیرانه "نخبگان"  
\* صادق محصولی و خط وقاحت  
\* "شکوفایی اقتصادی" به شیوه جمهوری اسلامی  
\* مشت نمونه خروار!

#### در مورد تغییر سرمدیر انترناسیونال

صفحه ۸



ستون اول

حمید تقوائی

#### در اسب تروا چه پنهان بود؟

بعد از ۲۲ بهمن بحثی در میان شخصیتها و فعالین اپوزیسیون حافظ نظام بر سر آنچه خود تاکتیک اسب ترویا مینامند در گرفته است. قضیه از این قرار است که قبل از ۲۲ بهمن بخشی از اینان خطاب به مردم این رهنمود مشعشع را صادر کرده بودند که با پنهان کردن هویت خود در مراسم دولتی شرکت کنید و بعد در موقعیت مناسب با "اعتراض سبز" (یعنی با شعارهایی که ساختار شکن نباشد!) دشمن را غافلگیر کنید! و بخش دیگری طرفدار شرکت در مراسم دولتی با حفظ هویت خود بوده اند! (ایضا با شعارهای ساختار شکن!) حالا همه حیران مانده اند که چرا کارشان نگرفته است! گیج شده اند، خود را شکست خورده میدانند، با یکدیگر بحث و جدل میکنند، به اشتباهاتشان اعتراف میکنند و غیره و غیره.

اما مشکل واقعی این نیروهای حافظ نظام اسب ترویا و اشتباه محاسبه تاکتیکی نیست. مساله اینست که مواضع و سیاستهای اینان هیچ ربطی به خواستههای مردم و جنبش خیابانی آنان ندارد. بعد از خیزش کوبنده ۶ دی (عاشورا) تمام هم و غم فعالین اپوزیسیون حافظ نظام بازداشتن مردم از تعرض به حکومت، پرچمزدار شدنشان از "خشونت زبانی" و "شعارهای ساختارشکنانه" و موعظه مبارزه مسالمت آمیز و با قیمانندن در چارچوب نظام و غیره بوده است. بهمین دلیل هم خط اینان در ۲۲ بهمن، با و یا بدون اسب ترویا، شرکت در مراسم دولتی

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## ستون اول

بود. رهنمود دیگری نمیتوانستند و نمیخواستند به مردم بدهند چون خود اینان نیز باندازه جناح خامنه ای از تکرار اعتراضات ساختار شکنانه ای که در ۶ دی ارکان نظام را لرزاند هراس داشتند. در واقع تجمع در میدان آزادی خط و سیاست و رهنمود هر دو جناح حکومتی برای کنترل اوضاع در چارچوب حفظ نظام بود. یکی با سرازیر کردن جمعیت کرایه ای و دیگری با تاکتیک مشعشع اسب ترویا. بطور واقعی آنچه در اسب ترویا پنهان شده بود خامنه ای بود و بس! و آنچه این "تاکتیک" را برای اینان جذاب میکرد نه غافلگیر کردن حکومت بلکه پنهان کردن سیاست حفظ نظام و کنار آمدن عملی با خامنه ای، از چشم مردم بود.

در مقابل، آنچه کل پروژه میدان آزادی را به شکست کشاند مبارزه مردم بود. در این روز مردم در برابر فراخوان دهندگان میدان آزادی، یعنی هر دو جناح حکومت،

ایستادند. در ۲۲ بهمن میدان آزادی مرکز تجمع رژیم ها و بقیه نقاط محل اعتراض و مبارزه ساختار شکنانه توده مردم شد! در تمام میادین و محلات در تهران و در چندین شهر دیگر مردم با شعارهای ساختار شکنانه شان، با مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر اصل ولایت فقیه به جنگ حکومت رفتند. در مناطقی با نیروهای انتظامی درگیر شدند و موتورهایشان را به آتش کشیدند. در محله هائی مثل آریاشهر زنان بدون حجاب در تظاهرات شرکت کردند و غیره. مردم مانند همه تظاهراتهای ۷ ماه اخیر، کار خودشان را کردند و امر و جنگ خودشان را به پیش بردند و یکبار دیگر نشان دادند که هدف آنان شکستن ساختار نظام است و کسی این حکومت و نظام جنایتکار و ضد انسانی جمهوری اسلامی را نخواهد. بنابراین مساله این نبود که گویا تاکتیکی از سوی نیروهای حافظ

نظام به اشتباه اتخاذ شده و یا بمردم توصیه های نابخردانه ای شده است. مساله اینست که این نیروها دیگر در خیابان جانی ندارند. در ۲۲ بهمن یکبار دیگر روشن شد که اینها نمیتوانند دعوای درون حکومتیشان را با کارت مردم حل و فصل کنند. معلوم شد نمیتوانند برای گرفتن امتیاز و چانه زنی مبارزات مردم را در چارچوب نظام محدود کنند. مردم بخصوص در ۶ دی نشان دادند که از این نوع سیاستهای سازشکارانه عبور کرده اند. ۲۲ بهمن نیز بر آمد دیگری در ادامه همین حرکت تعرضی مردم بود. فرق ۶ دی و ۲۲ بهمن در این بود که در آن روز نه فراخوانی از سوی جناح مغلوب صادر شده بود و نه جناح غالب حکومت فرصت و آمادگی لازم را برای مقابله با مردم داشت. در نتیجه مردم در سطح وسیعی بغیابانها ریختند و نیروهای سرکوبگر حکومتی را تار و مار کردند و آن حرکت کوبنده و درخشان را آفریدند. اما در ۲۲ بهمن رژیم این فرصت را داشت که تمام امکاناتش

را از یکسو برای کنترل نظامی شهرها و بخصوص تهران و از سوی دیگر برای جمع آوری جمعیت کرایه ای در میدان آزادی بکار بگیرد. اما علیرغم همه اینها حکومت نتوانست حتی نیمی از میدان آزادی را پر کند. حتی اسب ترویا هم افافه نکرد! عکسهای هوائی که گوگل از میدان آزادی ده دقیقه قبل از سخنرانی احمدی نژاد منتشر کرده یک میدان نیمه خالی را در کنار صف طولی اتوبوسهای دولتی که جمعیت کرایه ای را بمیدان آورده بودند، نشان میدهد. رژیم در این تاکتیکش کاملاً شکست خورد. حتی خبرنگارانی که تحت الحفاظ بمیدان آزادی برده بودند گزارش کردند که بقیه نقاط شهر عرصه مبارزه و درگیری مردم با نیروهای حکومتی بوده است. در واقع روز ۲۲ بهمن روز شکست هر دو جناح بود. حکومت فقط توانست در این روز جان سالم بدر ببرد، و به این راضی باشد که سرنگون نشده است. جناح مغلوب هم میتواند دلش را

خوش کند که ساختار نظام هنوز نشکسته است. اما کابوس هر دو جناح عمیق تر و دهشتناک تر شده است. میدان آزادی در ۲۲ بهمن محل تجمع حکومتی ها از هر دو جناح بود و به همین خاطر هم بیش از نیمی از میدان پر نشد. ولی کل شهر به محل جدال توده مردم با حکومت تبدیل شد. توده مردم معترض در تهران و در چندین شهر دیگر یکبار دیگر نشان دادند علیه کل این نظام هستند و تا در هم کوبیدن کل این ماشین و نظام غارت و جنایت از پای نمیشینند. ۲۲ بهمن تاکتیک دیگری بر این واقعیت بود که جنبش انقلابی مردم مستقل از مناسبات جناحها و تلاشها و تمهیدات آنان همچنان به پیش میرود و مردم به چیزی کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نمیدهند. علت شکست تاکتیک اسب ترویا، و جناح خامنه ای پنهان در آن، چیزی جز این نبود!\*

از صفحه ۱ پیش بسوی هشت مارس ...

طرد و تحریم رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در اوایل دهه نود نمونه موفقی از تشریک مساعی مردم جهان برای سرنگونی یک رژیم ضد بشری است. میتوان و باید جمهوری اسلامی را مانند رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی رسوای خاص و عام کرد و از همه جا بیرون راند. هرگونه مماشاتی با این حکومت، کمک به بقای آن و توهین بزرگی به بشریت است.

هشت مارس بهترین فرصت برای دامن زدن به یک مبارزه بزرگ و اجتماعی در خارج کشور علیه حکومت اسلامی ایران است. هشت مارس بهترین فرصت برای جلب همبستگی میلیونی مردم در دنیا به نفع مبارزات مردم ایران است.

ما اعلام میکنیم که هشت مارس امسال باید سال همبستگی با مبارزات زنان و مردم ایران علیه حکومت آپارتاید جنسی باشد. هشت مارس امسال باید سال بیشترین همبستگی سازمانهای مدافع حقوق زن و مدافعین حقوق انسانی با زنان و مردم ایران باشد.

ما از همه ایرانیان مقیم کشورهای اروپایی و کانادا و آمریکا و استرالیا و هر جای دیگر دنیا

دعوت میکنیم که هشت مارس به خیابان آمده و علیه حکومت ضد زن اسلامی فریاد سرنگونی سردهند. از همگان دعوت میکنیم که اعلام کنند حکومت ضد زن اسلامی باید سرنگون شود. که زن و مرد برابر هستند و باید همه قوانین ضد انسانی اسلامی فوراً ملغی شود. در همه جا خواستهای مطرح شده در مانیفست آزادی زنان ایران را طنین انداز کنید!

<http://equal-rights-now.com/IntWD/IntWD649.php?nr=63719093&lang=fa>

زنان و مردان آزادخواه! مبارزات شما در طول ۸ ماه گذشته در خارج کشور و اعتراضات گسترده و تعرضی شما بمناسبت ۲۲ بهمن در بیش از ۴۰ شهر مختلف دنیا، نشان داد که نیروی ما در خارج کشور چه ظرفیت عظیمی دارد. این نیرو بخشی از جنبش عظیم اجتماعی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است. این نیرو می تواند و باید در جهت بسیج میلیونها انسان در اقصی نقاط دنیا در همبستگی با زنان و مبارزات آزادخواهانه مردم ایران به حرکت درآید. تحریک پر قدرت این نیرو در ۲۲ بهمن و در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی به کابوسی برای عوامل رژیم در خارج تبدیل شد بطوری که هیچ جا از تعرض ما در امان

ننهند! همین نیرو و همین فضای رزمنده و رادیکال باید یکبار دیگر در مراسم ۸ مارس خود را نمایان سازد و عرصه را بر جمهوری اسلامی در خارج تنگ تر کند. شما را فرا می خوانیم که روز ۶ مارس شنبه، در همه جا در مقابل سفارت خانه ها و کنسولگریهای جمهوری اسلامی ایران تجمع کنید و فریاد خشم و نفرت خود را علیه این حکومت زن ستیز اسلامی بلند کنید و حجاب این سمبل بی حقوقی زن را به آتش بکشید. ۸ مارس دوشنبه در مراکز شهرها و در مقابل پارلمانهای کشورهای اروپایی و ... تجمع کنید و اعلام کنید که آپارتاید جنسی در ایران باید ملغی شود، سفارت خانه های رژیم ضد زن جمهوری اسلامی باید بسته شود و روابط دیپلماتیک با این حکومت مدافع بردگی و تحقیر زن باید

## کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

واحد حزب در تورنتو	۲۴۵ دلار
تورج قصاب	۲۰۰ دلار
با نو مخبر	۴۰ دلار
حسن گلزاری	۳۰ دلار
سهیلا شریفی	۱۰۰ پوند
سعید پرتو	۲۰ پوند
شیوا محبویی	۲۰ پوند
اصغر کریمی	۲۰ پوند

قطع شود. در همه جا با در دست داشتن عکس ندا بعنوان سمبل آزادیخواهی مردم ایران علیه حکومت اسلامی به میدان بیایید و علیه حجاب اسلامی، علیه اعدام و سنگسار و علیه بی حقوقی زنان ایران در اشکال گوناگون اعتراض کنید. در مراسمی که بمناسبت ۸ مارس برگزار می شود بعنوان سخنران و نماینده زنان ایران پیام نوید بخش آزادی و رهایی آنها را به گوش جهانیان برسانید و از آنها بخواهید که از مبارزات قهرمانانه آنها برای خلاصی از انقیاد جنسی به حمایت برخیزند. بگذار از هزاران مراسم میتینگ ۸ مارس بیانیته ها و قطعنامه های زیادی در همبستگی با زنان ایران صادر و تصویب شود. بی گمان این قوی ترین پشتوانه در مبارزه رها بخش زنان ایران خواهد بود.\*

# مانیفست آزادی زن در ایران به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن!

## هشت مارس امسال، روز بزرگداشت ندا سمبل مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی!



فرزندان پس از جدایی  
 ۶- لغو حجاب اجباری زنان و ممنوعیت حجاب کودکان و به رسمیت شناسی کامل آزادی پوشش  
 ۷- لغو کلیه احکام و قوانین وحشیانه و ضد انسانی سنگسار و اعدام و قصاص و سایر مجازاتهای اسلامی  
 ۸- آزادی بی قید و شرط بیان و اعتراض و آزادی تشکل و اعتصاب و تحزب و اجتماعات  
 ۹- آزادی فوری و بیقید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی  
 ۱۰- آزادی مذهب و بی مذهبی و آزادی نقد مذهب  
 ۳ بهمن ۱۳۸۸، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۰

مینا احدی  
 شهلا دانشفر  
 مهین علیپور  
 مریم نمازی  
 حمایت خود را از این بیانیه میتوانستید به ادرس زیر ارسال کنید!  
 برای امضا بیانیه به ادرس زیر مراجعه کنید!  
<http://equal-rights-now.com/IntWD>  
[manifestezanan@gmail.com](mailto:manifestezanan@gmail.com)  
 آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید  
 تلفن تماس: ۰۰۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

حکومت اسلامی به جرم جنایت سیستماتیک علیه میلیونها زن، بجرم جنایت علیه بشریت باید دستگیر و محاکمه شوند. این فرمان انقلاب در ایران است. با سرنگونی جمهوری اسلامی ما به یاری میلیونها زن در کشورهای اسلام زده می شتابیم که اسیر حکومتها و باندهای تروریست اسلامی و سنتهای ناموس پرستانه و مردسالارانه اسلامی هستند.

۱- محاکمه رهبران و مسئولین جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت و از جمله به جرم سی سال تحمیل شنیع ترین اهانتها و تحقیرها و سرکوبگریها و بی حقوقی مفرط به زنان در ایران

۲- لغو همه قوانین ضد زن اسلامی و کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی

۳- جدایی کامل دین از دولت، آموزش و پرورش و کلیه قوانین

۴- لغو جدا سازی جنسیتی و آپارتاید جنسی  
 ۵- ممنوعیت صیغه و تعدد زوجات. حق بیقید و شرط جدائی (طلاق) برای زن و مرد. لغو کلیه قوانینی که حقوق مدنی زنان (نظیر حق مسافرت، معاشرت، شرکت در فعالیتهای اجتماعی و غیره) را به کسب اجازه از شوهر، پدر، و یا سایر مردان خانواده مشروط میکند. برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد در امر تکفل و سرپرستی

ما بیانیه زیر را بعنوان مانیفست آزادی زنان در ایران اعلام میداریم و همه فعالین جنبش آزادی زن و نیروهای سکولار و آزادیخواه را به حمایت از این مانیفست و به

حکومت اسلامی با آزادی زنان مغایر است. جمهوری اسلامی حکومتی زن ستیز، برپاکننده آپارتاید جنسی، و عامل سه دهه تحمیل شنیع ترین اهانتها و تحقیرها و شدیدترین سرکوبگریها و بی حقوقی ها به زنان در ایران است. بدون آزادی زن جامعه آزاد نخواهد شد و بدون سرنگونی جمهوری ضد زن اسلامی زنان به حقوق خود دست نخواهند یافت. جمهوری اسلامی باید برود!

این پیام ندا آقا سلطان سمبل انقلاب جاری در ایران، و حکم و امر زنان شجاع و پیشرو است که هفت ماه است در پیشاپیش صفوف مردم کل حکومت زن ستیز اسلامی را به چالش کشیده اند.  
 ما زنان و مردان آزادیخواه سی سال قبل در هشت مارس ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) در ایران در مقابل ارتجاعیون تازه بقدرت رسیده با فریاد نه به حجاب اجباری ایستادیم و امروز با داشتن تجارب خونین و دردناکی از سه دهه آپارتاید جنسی، بردگی جنسی و سرکوب مستمر زنان، با صدای رسا تر و کوبنده تر بهمراه نسل جوان و پیشرو در ایران اعلام میکنیم که جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت ضد زن، بعنوان حکومت آپارتاید جنسی باید سرنگون شود. اعلام میکنیم سران

دفاع از انقلاب جاری در ایران، امروز میتواند و باید یک حرکت عظیم بین المللی باشد. هشت مارس روز جهانی و بین المللی زنان است و امسال مهر همبستگی با زنان و مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی بر این هشت مارس حک شده است. ما از همه فعالین و سازمانهای مدافع حقوق زن دعوت میکنیم که با جنبش زنان در ایران ابراز همبستگی کنند و یاد ندا آقا سلطان را بعنوان سمبل جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی گرامی بدارند. هشت مارس امسال، روز همبستگی با جنبش آزادیخواهی مردم ایران است!

## اعلام همبستگی بین المللی با زنان مبارز ایران،

### هشت مارس روز جهانی زن از راه میرسد!

بیش از ۱۵۰۰ نفر مانیفست آزادی زن را امضا کردند.

است. ما را در کنار خود بدانید. از آرژانتین هیلدا ماکیاس مینوسد: بعنوان یک زن ۶۲ ساله و یک معلم آرژانتین ما شدیداً از زنان ایرانی دفاع میکنیم. علیه تبعیض و علیه نقض حقوق انسانی. من طرفدار برابری و آزادی کامل زن و مرد هستم. زن و مرد باید بتوانند از امکانات تحصیلی برابر برخوردار باشند.  
 از ایرلند روس پاینتر می نویسد: در قرن بیست و یک این وحشیانه است که زنان از برابری و حقوق انسانی خود محروم هستند. مذهب مردم را به دوران سیاهی و تباهی رهنمون میشود.

روابط عمومی کمپین هشت مارس ۱۷ فوریه ۲۰۱۰  
 برای امضا مانیفست لطفاً به ادرس زیر مراجعه کنید:  
<http://equal-rights-now.com/IntWD>

عنوان یک زن ایرانی که به واسطه جور و ستم حکومت اسلامی از حقوق انسانی خویش محروم شده ام، از این مانیفست پشتیبانی میکنم.  
 ملودی بیر از آمریکا مینوسد: بعنوان یک زن آمریکایی که در دهه ۶۰ برای برابری حقوق زن و مرد به خیابان رفته و همواره خود را در کنار مبارزات زنان در ایران میدانستم، باید بگویم ما برای آزادی همه مردم فعالیت میکنیم و خود را در کنار زنان قهرمان ایران میدانم. من بعنوان یک یهود که افرادی از خانواده خود را در جریان هولوکاست از دست دادم، میخواهم به مردم ایران

بگویم، موقعیت شما را کاملاً درک میکنم. استوار باشید. ما با شما هستیم. آرزوی من اینست که زنان آمریکا بیش از پیش از زنان ایران دفاع کنند.  
 پترا یانسون از آلمان مینوسد: سرنگون باد حکومت ترور در ایران، حکومتی که علیه مردم کشورش ترور میکند. در ایران بویژه زنان مورد ستم وحشیانه این حکومت هستند و میلیونها زن از همه حقوق خود محروم شده اند. ما با زنان ایران هستیم.  
 از اسرائیل یانل پارتز مینوسد: برابری و حقوق انسانی حق مسلم همه

عنوان یک زن ایرانی که به واسطه جور و ستم حکومت اسلامی از حقوق انسانی خویش محروم شده ام، از این مانیفست پشتیبانی میکنم.  
 ملودی بیر از آمریکا مینوسد: بعنوان یک زن آمریکایی که در دهه ۶۰ برای برابری حقوق زن و مرد به خیابان رفته و همواره خود را در کنار مبارزات زنان در ایران میدانستم، باید بگویم ما برای آزادی همه مردم فعالیت میکنیم و خود را در کنار زنان قهرمان ایران میدانم. من بعنوان یک یهود که افرادی از خانواده خود را در جریان هولوکاست از دست دادم، میخواهم به مردم ایران

بیش از ۱۵۰۰ نفر مانیفست آزادی زن را امضا کردند.

### اطلاعیه شماره ۶

به عنوان یک زن ایرانی که به واسطه جور و ستم حکومت اسلامی از حقوق انسانی خویش محروم شده ام، از این مانیفست پشتیبانی میکنم.

به عنوان یک آمریکایی، یک آرژانتینی، یک آلمانی، و یک اسرائیلی و... از این مانیفست دفاع میکنیم. ما در کنار شما زنان قهرمان ایران هستیم...  
 مانیفست آزادی زن به امضا ۱۵۷۸ نفر رسید. در اینجا بخشهایی از نوشته های موجود در این مانیفست را به اطلاع میرسانیم.

از تهران یک زن ایرانی مینوسد: به

## بازتاب هفته

کاظم نیکخواه

ویراستار:

### تلاش حقیرانه "نخبگان"

یاشار سهندی

با مراسمات مثل شش بهمن دارید خودتان را گول میزنید. اما هویدا به هیچ گرفته بود. و اکنون نیز آن خبرنگار دنیا دیده، که خود بهنود باشد، تذکر میدهد که "تصمیم سازان" بهوش باشند و گول مراسمات خود فریبانه ۲۲ بهمن را نخورند. بهنود فکر میکند اگر کسی مثل هویدا که بنا به گفته بهنود روشنفکری برای خودش بوده و با ژان پل سارتر حشر و نشر داشته نصیحت آن خبرنگار جوان را گوش میکرد و به شاه تذکر میداد شاید آن انقلاب رخ نمیداد.

این شصت تن و آن یک تن دارند اعلام خطر میکنند؛ و به شاه که اکنون عمامه فقاقت بر سر دارد و انقلابی بسیار عظیم تر و عمیق تر مقابلش سر بلند کرده است هشدار میدهند که رحم و انصاف به نمایش بگذارد قبیل از اینکه دیر شود. ایشان از آن "رهبر فرزانه" میخواهند که روشنگری دین اسلام را به نمایش بگذارد. برآستی که هیچ چیز تهوع آورتر از این نیست که بعد از سی سال حکومت جانپان الهی باز این "نخبگان" دانشگاه دیده از رهبر آن دستگاه جهنمی میخواهند که "حقوق بنیادی مردم خود" احترام بگذارد. این شصت تن دقیقا از دیدگاه یک شاه و یک فقیه به توده مردم مینگرند و آن مردم را "مردم خود" فقیه و شاه میدانند و از آن شاه با جبروت و از نور خدا میخواهند که رحم و انصاف خود را به نمایش گذارد و با "رعیت"، با "عوام الناس" و "بندگان گناهکار خدا" مهربان باشد. این شصت تن به حوادث بعد از انتخابات اعتراض دارند، یعنی اینکه قبیل از آن "آقا" با مردم خود مهربان بوده اما یکهو جن زده شده و دست به تعرض زده است. (به احتمال زیاد آن جن "جنتی" نام دارد، چرا که بهنود در جای دیگری اشاره کرد بود اگر جنتی نبود جمهوری اسلامی مهربان بود!). آنچه این جماعت نمی فهمند یا در مورد آن خود را به نفهمی میزنند اینست که مشکل صرفا خود بزرگ بینی و نخوت شاه و فقیه نیست، مشکل این است که اساس این جامعه بر نابرابری است. نظم جامعه کنونی بر اساس استثمار کارگر و توده مردم زحمتکش بنیان گذاشته شده. مشکل صرفا بی رحمی شاه و فقیه نیست مشکل بی رحمی نظامی است که توده مردم در آن انسان محسوب نمی شوند

بلکه فقط و فقط نیروی کار هستند و بر سر در چنین جامعه ای نوشته شده تا نباشد چوب تر، فرمان نبرد... دیکتاتوری شاه و فقیه برای حفظ همین بساط جهنمی است. و توده مردم به خیابان آمده همین سیستم را زیر سوال برده اند و اینرا آن شصت تن بعلاوه یک میدانند؛ شاه هم میدانست و فقیه مرده و زنده هم میدانند. اما کار بجایی رسیده نه "شاه خدایبامرز"، نه "امام قدس سره" و نه "خامنه ای رهبر" میتوانستند جلو آنرا بگیرند. حال ملاحظه کنید که کار این "نخبگان" دانشگاهی، فرهنگی، مخترعین، مدیران "چتر حقیر و بی مایه است، اگر نگوییم جنایت کارانه است.\*



سیامک بهاری

### صادق محصولی و خط وقاحت

پس و پیش کردن خط فقر، بازی با اعداد و ارقام و آمارها شگرد قدیمی و شناخته شده حکومت اسلامی است. پنهان کردن حجم عظیمی از مصایب اجتماعی در پس عبارات من در آوردی و بدل کردن آن به مباحثات آکادمیک و به اصطلاح کارشناسانه فقط نشان بی مبالائی و از زیر بار مسئولیت در رفتن حکومت اسلامی نیست. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در مرحله یک پله تا سقوط راهی بجز کتمان و انکار فقر بی انتهایی که آشکارترین و علنی ترین چهره و مشخصه نکبت حکومت اسلامی است، ندارد. این وقاحتی است که فقط از جمهوری اسلامی ساخته است. به گزارش سایت آفتاب نیوز، پاسدار میلیاردر صادق محصولی وزیر به اصطلاح رفاه و تامین اجتماعی اعلام کرده است که: "هیچکدام از آمارهایی که در مورد خط فقر اعلام می شود، کارشناسانه نیست و هنوز کار کارشناسی دقیقی در این رابطه انجام نشده است. . . او می افزاید: اگر یک نفر روزی یک دلار درآمد داشته باشد در ماه درآمد او ۱۲۰ هزار تومان می شود؛ اما آیا می توان این درآمد را برای یک خانواده چهار نفری گفت که خط فقر مناسبی است؟

این طور نیست و با این که در دنیا بعنوان ملاک است برای ما ملاک قابل قبول نیست "صادق محصولی واقعا دارد حقیقت مهمی را اعلام می کند. اصلا در صحت سخنانش تردید نباید کرد، به آسمان ریسمان کردنش فعلا کاری نداشته باشید! حقیقت زشت و کریه ای که در سخنان محصولی نهفته است فقط وقاحت مضمئن کننده اش نیست، حقیقت این است که جمهوری اسلامی قرار نیست فقر و مصیبتی را که بیش از سه دهه است به جامعه تحمیل کرده حتی سر سوزنی هم ترمیم بکند. اگر هم قرار است کاری بکند این است که کارشناسان میلیاردری از جنس صادق محصولی باید در این مورد کار آکادمیک و کارشناسانه بکنند! و بساط ثروتهای افسانه ای و باج و خراج بیت رهبری و تمامی دستگاه فاسد حکومتی تداوم یابد! این تمامی راه حلی است که این نابغه وقاحت در مقابل جامعه فقر زده ایران گرفته است. اصلا برای اینها چه فرق می کند که خط فقر کجاست و با یک دلار و دو دلار در ایران تحت حاکمیت اسلامی چند گرم برنج و گوشت میتوان خرید؟ وزیر و کیل این حکومت دارند بر کشف خط فقر شیدید، خط بقا و . . . با هم رقابت میکنند. اصلا مگر نه اینکه "اقتصاد مال خر است!" یکی از همین نوع کاربدستان حکومتی به نام خراسانی رسما و علنا منکر کودکان کار و خیابان شد و اضافه فرمود که "ما اصلا چنین پدیده ای در ایران نداریم. کودک خیابان یعنی کودکی که در خیابان به دنیا می آید، در خیابان زندگی میکند و در خیابان می میرد. با این احتساب در ایران کودک خیابان وجود ندارد!" نبوغ را می بینید؟ بانک مرکزی ایران مبلغ هفتصد هزار تومان را مرز خط فقر اعلام می کند، چند روز بعد مبلغ هشتصد و پنجاه هزار تومان مرز خط فقر اعلام میشود، در همین گیر و دار کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران با اعلام این که خط فقر نهصد هزار تومان است، اعلام میکنند که دستمزد کمتر از پانصد هزار تومان در سال آینده معیشت خانوار کارگری چهار نفره و بیش از آن را به مخاطره می اندازد. ابوالقاسم مختاری عضو کمیسیون اجتماعی مجلس به نقل از مرکز آمار ایران، جمعیت زیر خط فقر را ده تا دوازده میلیون نفر اعلام می کند و می گوید "دو میلیون نفر در فقر مطلق به سر می برند، سپس می افزاید علاوه بر این افراد، جمعیت سه میلیون

نفری کارمند نیز در آستانه سقوط از خط فقر قرار دارند". موسی الرضا ثروتی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی می گوید: "بر اساس برآوردهای انجام شده در حال حاضر ۱۲ میلیون نفر در جامعه زیر خط فقر زندگی می کنند و ۲ میلیون نفر نیز زیر خط فقر خشن هستند". اطلاعات مرکز آمار ایران اعلام میکند "در دو دهی گذشته در سید غذایی مردم، مصرف گوشت ۵۰ درصد و مصرف میوه و سبزیجات ۵۵ درصد کاهش داشته است". عباس وطن پرور نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی کار از افزایش خط فقر به یک میلیون تومان در سال آینده خبر میدهد و میگوید: خط فقر را به بیش از یک میلیون تومان و نرخ تورم را نیز به بیش از چهل درصد خواهد رسید! صادق محصولی می خواهد همین اعترافات دست اندرکاران حکومتش را کتمان کند و خط فقر را به یک دلار پایین بیاورد. کمی آنطرفتر از شدت اسفناک بودن وضع اقتصادی شخص احمدی نژاد آمار وضعیت اقتصادی سال ۸۶ را به جای ۸۷ به خورد مردم میدهد. اینها فقط گوشه کوچکی از حقیقتی عظیم و غیرقابل تصور است. شمارش حرمان بی پایان مردمی که در دام حکومت اسلامی گرفتار آمده اند انتها ندارد. جمهوری اسلامی، جمهوری فقر و مصیبت و بدبختی و خانه خرابی است. مسبب کلیه فروشی، تن فروشی، کارتن خوابی، قبر نشینی و هزار مصیبت دیگر است! آمارهای حکومتی در مورد فقر را باید چند برابر کرد تا کمی به حقیقت نزدیکتر شود. مبارزه بی امان و حضور اعتراضی میلیونی علیه این وضعیت اما صحنه نبرد است که صادق محصولی و شرکای حکومتی و همه پاسدار و آیت الله های میلیاردر را به تکاپو انداخته است. سفره خالی مردم، دستمزدهای ناچیز، چندقازای که با جنگ و گریز و اعتصاب و زندان باید از چنگال زالوهای اسلامی بیرون کشید، جنگ هر روزه مردم در کارگاه و کارخانه و خیابان و هروم و برزی برای یک زندگی انسانی، امثال صادق محصولی را چنین وقیحانه به کتمان و انکار حقایق کشانده است. صحنه و بستر حقیقی اما این است که مردم بدرستی چشم ازدها را یافته اند و دارند بساط خط فقر را با سرنگونی بانی و مسببش جمع میکنند، بسیار سریعتر از آنکه کار کارشناسان و خط فقر شناسان به

## بازتاب هفته

نتیجه کارشناسانه برسد، کار این حکومت را تمام خواهند کرد. مردمی که خود را سزاوار بحق یک زندگی انسانی میدانند، با انقلابشان، با سرنگونی جمهوری فقر و حرمان و مصیبت، کارشناسانه به خط فقر پایان خواهند داد! درهم فروریختن و جمع کردن بساط مرزهای فقر و مصیبت اولین اقدام حکومت انسانی است!\*



محمد شکوهی

### "شکوفایی اقتصادی"

به شیوه

### جمهوری اسلامی

محمود احمدی نژاد رئیس جمهور مفتضح شده حکومت اسلامی در لاف و گزافهای مضحک روز ۲۳ بهمن از شکوفایی اقتصادی ایران و صعود کردن ایران به رده هفدهم در میان کشورهای دنیا صحبت کرد و ادامه داد که بزودی از نظر اقتصادی و رفاهی به رده دوازدهم صعود میکنیم! این ادعا همانقدر مضحک و بی اساس و مسخره است که گفتند پنجاه میلیون نفر از طرفداران حکومت در میدان آزادی تهران جمع شده بودند. یعنی تمام جمعیت هفتاد میلیونی ایران منتهای سالمندان و از کار افتادگان به میدان آزادی تهران آمده بودند تا به نفع رژیم شعار دهند اما بیش از نصف میدان هنوز خالی بود! بهررو بگذارید نگاهی به وضعیت اقتصادی حکومت بیندازیم و گوشه های کوچکی را منعکس کنیم. اوایل هفته ای که گذشت رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی و برخی دیگر از مقامات حکومت اعلام کردند که ۸۱ درصد برنامه های پیش بینی شده در برنامه ۵ ساله گذشته و طرح بودجه بندی دوره اول ریاست جمهوری احمدی نژاد متحقق نشده است. در بخش های زیر ساختی و "استراتژیک" فقط بخش مربوط به "تامین امنیت ملی" عملیاتی شده است. همزمان با این اظهارات مقامات حکومتی

بودجه برای موارد امنیتی و دفاعی بوده و بقیه موارد بودجه از نظر ایشان بی اهمیت می باشد. بی دلیل نیست که نزدیک به نصف بودجه صرف "تامین امنیت رژیم" می شود. و کسی نق نمی زند! از سوی دیگر بخش خصوصی و هواداران اقتصاد باز و امروزی که همیشه پا به پای سیاستهای اقتصاد اسلامی رژیم و در کنار و سایه آن در طول ۳ دهه گذشته جلو آمده و رشد کرده، خواهان "آزادی اقتصادی"، "البته نه از نوع نتولیبرالیسم و بازار آزاد غربی، بلکه منطبق کردن اقتصادیات اسلامی حکومت با این جهت گیری جهانی" می باشند. کشمکش حادی در این راستا در جریان است. افت شدید تولید و تعطیلی بسیاری از کارخانه ها، تورم فزاینده که با طرح "هدفمند کردن یارانه ها" جهشی دارد رشد میکند، عدم قدرت رقابت و درکل یک در هم ریختگی تمام عیار اقتصادی آن وضعیتی است که اقتصاد جمهوری اسلامی در آن دست و پا میزند. قربانی مستقیم این بلبشو نیز آشکارا کارگران و مردم محروم جامعه هستند که در زیر خط فقر دارند مجاله میشوند. کارگران و مردم و اقشار کم در آمد جامعه نه فقط باید تاوان سیاستهای اسلامیزه کردن اقتصادی سرمایه داری دولتی را بپردازند، بلکه خطر بدتر شدن اوضاع را در سایه دست بالا پیدا کردن بخش خصوصی و مدافعان بازار آزاد از نوع اسلامی را هم متحمل بشوند. رویارویی های این دو نیروی چپاولگر و ضد کارگر زندگی و معاش میلیونها انسان کارکن را در معرض تهدیدهای جدی قرار داده است. تنها امید مردم سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلابی است که میخواید کار این حکومت را با تمام بحرانها و دزدیها و چپاولگریهایش برای همیشه تمام کند.\*



بهروز مهرآبادی

### مشت

### نمونه خروار!

همه میدانیم که میلیونها نفر از

مردم محروم و بویژه کارگران از نظر معیشتی و مالی در چه شرایطی بسر میبرند، اما اعترافات وابستگان و دست اندرکاران ریز و درشت حکومت به این شرایط بیانگر ابعاد عظیم و سراسری و غیر قابل انکار مشقت و فلاکتی است که به این مردم تحمیل کرده اند. بگذارید چند نمونه از وضعیت کارگران را از زبان این جانوران اینجا ذکر کنیم: اولیا علی بیگی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار میگوید "به دلیل مشکل نقدینگی و تولید با ظرفیت پایین، کارگران هم اکنون از دریافت دستمزد های واقعی محروم هستند. البته شرایط اقتصادی و وضعیت کارفریان نیز باید در نظر گرفته شود. او در این رابطه به مشکل نقدینگی و پائین بودن ظرفیت تولید اعتراف کرد. نماینده فلاورجان در مجلس اسلامی در مصاحبه ای با ایلنا گفت: ۲۶۳ هزار تومان (حداقل دستمزد تعیین شده برای کارگران) هرگز نمی تواند یک زندگی متوسط رو به پائین را تامین کند. اما این واقعیت تاسف بار نیز وجود دارد که کارفرمایان توان پرداخت دستمزد بالا به کارگران را ندارند." سید ناصر موسوی لارگانی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس هم در گفتگو با خبرگزاری ایلنا گفت: "حداقل دستمزد کارگران که یک زندگی آبرومندانه را اداره کند بالای ۴۰۰ هزار تومان است." اما در چند سطر بعد اقرار کرد که خط فقر خیلی بالاتر است و گفت: "تصور کنید که حقوق کارگری ۲۶۳ هزار تومان یعنی یک سوم خط فقر باشد و ۵ ماه هم حقوق دریافت نکند." او به بحران اقتصادی در واحد های صنعتی و تولیدی کشور خبر داد و متوقف شدن تولید در کارخانه های ذوب آهن را مثال زد. در حالی که آمار رسمی رژیم میزان تورم را در سال جاری بیش از ۲۰ درصد اعلام می کنند، عباس وطن مهر نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی کار گفت: حذف یارانه ها خط فقر را به بیش از یک میلیون تومان و نرخ تورم را به ۴۰ درصد افزایش خواهد داد و حسن غفوری فرد عضو هیات رئیسه مجلس اسلامی نیز اعلام کرد که با اجرای طرح

هدفمند کردن یارانه ها تورم در سال آتی به پنجاه درصد خواهد رسید." اجرای طرح "رایانه های هوشمند" و حذف سوسیسید ها از هم اکنون خبر از چند برابر شدن قیمت اقلام اصلی مواد اولیه مورد نیاز مردم، نظیر نان، قند، بنزین، برق و سایر مواد مصرفی می دهد. حسن تامینی عضو کمیسیون بهداشت مجلس در مورد وضعیت بهداشت و درمان کشور گفت که سال آینده متاسفانه سال خوبی پیش بینی نمی شود و با روندی که داریم عملاً مشکل حل نمی شود. روزنامه رسالت خبر از واریز شدن مستقیم دو سوم از درآمد فروش نفت به جیب آیت اله های میلیاردر و آفازاده هایشان خبر داد و نوشت: "از ۱۱۴ هزار میلیارد تومان درآمد نفتی مبلغ ۴۰ هزار میلیارد تومان در بودجه سال ۸۹ در نظر گرفته شده است و مبلغ ۷۴ هزار میلیارد تومان خارج از نظارت دولت، مجلس و شورای نگهبان است." یک اقتصاد دان در مصاحبه با ایسنا خبر از انجام نشدن بیش از هشتاد درصد احکام برنامه چهارم اقتصادی دولت خبر داد و خبرگزاری ایلنا احتمال بیکاری بیش از نصد هزار نفر از کارگران صنعت برق را از زبان محمد پارسا رئیس هیئت مدیره سندیکای صنعت برق نوشت. اخبار منتشر شده در چند روز گذشته فقط گوشه های بسیار کوچکی از در هم ریختگی اقتصادی و از هم گسیختگی شیرازه زندگی کارگران و مردم از نظر رفاهی را نشان می دهد که حکومت اسلامی سرمایه داران بوجود آورده و خود نیز در آن دست و پا می زند. این رژیم قادر به اداره عادی ترین امور خود نیست و فقط به کمک نیروهای تا دندان مسلح خود و با سرکوب و کشتار سر پا مانده است. مردم این را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند که هر دقیقه ادامه حیات رژیم اسلامی به معنی فقر و فلاکت بیشتر و غارتگری افزونتر است و اعلام کرده اند که دوران کار ارزان کارگر خاموش در ایران به پایان خود نزدیک شده. این را مردم در حملات خود به حکومت اسلامی و کارگران در اعتراضات روزافزون خود نشان داده اند و می روند تا مهر پایان بر سی و یکسال غارتگری و جنایت این حکومت بزنند.\*

## از صفحه ۱ پیشروی انقلاب، بالندگی چپ...

شرایط کنونی نخواهد داشت. پارامترهای روند تحولات سیاسی تا کنون بالندگی چپ و افول جنبش اسلام سیاسی را نمایان کرده است. با توجه به ادامه اعتراضات توده‌ای در ایران و فاکتور اوضاع بین‌المللی، شرایط به ضرر جمهوری اسلامی تغییر کرده است. یک نتیجه پایه‌ای که از این تحولات حاصل می‌شود، آغاز افول اسلام سیاسی است.

در نتیجه این تحولات ادامه و تعمیق انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی یک امر قطعی است. اما هم‌زمان با سیر افول اسلام سیاسی، افول جنبش ملی مذهبی و اصلاح طلبان حکومتی هم رقم می‌خورد. زیرا مردمی که علیه سر مار جنبش اسلام سیاسی در تهران به میدان آمده باشند و بتوانند آنرا به عقب برانند و در نهایت شکست بدهند، نمیتوانند به جناحی از همین اسلامپها دخیل ببینند. این طبیعی‌ترین نتیجه‌ای است که میتوان از روند اوضاع سیاسی ایران گرفت.

برخلاف تصور خام و محدودنگرانه بعضی از جریان‌های سیاسی از همان ابتدا هم روشن بود که اصلاح طلبان حکومتی نمیتوانند بر جنبش اعتراضی مردم سیطره داشته باشند. زیرا مردمی که در خیابان قدرت خود را لمس میکنند و همبستگی و نتایج مبارزات خود علیه حاکمیتی قهار را میبینند، خیلی سریع از محدودیتهای اولیه که خاصیت هر جنبش اعتراضی در کشورهای استبدادی است رد میشوند. اینها ما هشت ماه پیش بارها تاکید کردیم. اما کسانی که فکر میکردند ما دچار شیفتگی شده ایم اکنون باید تصورات خود را بررسی و حلای کنند.

کسانی که در اپوزیسیون و بویژه در میان جریان‌های چپ و میانه‌اند، این مکانیسمهای تغییر و تحولات جنبشهای اجتماعی را ندیدند و درک نکردند، اکنون باید لنگ‌لنگان خود را اصلاح کنند. چنین جریان‌هایی از نقش یک نیروی پیشرو و روشن بین که چند قدم آتی را میتواند ببیند و قطب نمای خود و جنبش را به آن سمت تنظیم کند به جریان‌های دنباله‌رو و اساساً نظاره‌گر و مفسر اوضاع تنزل کردند. اینها از یک طرف تصورات ذهنی خود را به جای واقعیت جنبش کارگری فرض

میکند. و از طرف دیگر همانند فرقه‌های مذهبی بدون تحلیل و بدون در نظر گرفتن نقش اراده نیروی انقلابی و کمونیست، فقط به انتظار "مهدی موعود" ساخته و پرداخته ذهنی خود میمانند. بعداً به این موضوع یعنی نقش و جایگاه طبقه کارگر میپردازم.

البته در این میان جریان‌های حاشیه‌ای تر و نظاره‌گر اوضاع که خود را مبصر فرض کرده‌اند و به امید این نشستند که مردم شکست بخورند و آنها جشن پیروزی تئوریهایشان را بگیرند سند مرگ سیاسی خود را امضا کرده‌اند. ما را به اینها کاری نیست.

روند اوضاع سیاسی در ایران برخلاف لاف و گزافهای جمهوری اسلامی و یاس و سرخوردگیهای اصلاح طلبان حکومتی، تا کنون به ضرر هر دو جناح رژیم پیش رفته است. هر دو جناح رژیم اسلامی دچار سردرگمی عمیقی شده‌اند که راه برون رفتی از آن ندارند.

با نگاهی به آغاز جنبش انقلابی و توده‌ای مردم ایران از خرداد ماه تا کنون هر ناظر منصفی متوجه این واقعیت میشود که از یک طرف مردم با اعتماد به نفس بیشتر و با شعارهای رادیکالتر دستاوردهای با ارزشی را کسب کرده‌اند و از طرف دیگر حاکمان جمهوری اسلامی و اصلاح طلبان حکومتی هر دو، روز به روز ضعیف تر و بی‌آینده تر و متشتت تر شده‌اند. بنابراین روندهای جنگ مردم با رژیم را میتوان این چنین تبیین کرد: جناح حاکم جمهوری اسلامی تکلیفش روشن است، تا روز پایان عمر خود باید با مردم بجنگد تا در حاکمیت بماند. تمام جنایتهایی که در چند ماه گذشته انجام داده است تنها گوشه کوچکی از کارنامه سی و یکساله این حکومت است. اما اصلاح طلبان از قدرت رانده شده امثال موسوی-کروبی - خاتمی و... همان راه دوم خرداد را در ابعاد و شرایط دیگری خواستند پی بگیرند که نظامشان را "اصلاح" کنند و به این ترتیب آنرا از تعرض مردم مصون بدارند. روند اوضاع نشان میدهد که اینها از شکست قبلی خود درس نگرفته و ناچاراً راهی به جز تکرار تجربه شکست ندارند.

اما تفاوت این بار با دوران

جنبش دوم خرداد این است که ابتکار عمل به دست مردم افتاده است. مردم در ابعاد میلیونی به خیابان آمده‌اند و قدرت خود را لمس کرده‌اند و امکان ادامه این جنبش را با قدرت خود تضمین کرده‌اند. در دوران جنبش دوم خرداد جنبش سرنگونی در سال ۷۸ پا به میدان گذاشت اما قلب تپنده آن دانشگاه بود که با همکاری هر دو جناح رژیم این جنبش ضربه خورد و نتوانست در ابعاد توده‌ای ادامه پیدا کند. با این حال جنبش سرنگونی در ابعاد دیگری به حرکت خود ادامه داد و فشار این جنبش جناحهای حکومتی را به جان هم انداخت. در نتیجه آنها برای حفظ نظامشان وارد جدالی جدیدتر از قبل با هم شده‌اند.

جناح حاکم جمهوری اسلامی به خیال اینکه میتواند همان تجربه گذشته را با کنار زدن اصلاح طلبان تکرار کند هم‌زمان دو تاکتیک را پی گرفت. ادامه سیاست سرکوب به خشن‌ترین شکل آن علیه مردم معترض و تلاش برای وادار کردن جناح رقیب به سکوت. که تا کنون و بعد از ۸ ماه نتیجه‌ای نداده است. اینبار فشار خرد کننده جنبش انقلابی مردم کل نظام اسلامی را زیر ضرب گرفته است و سر درگمی هر دو جناح رژیم هم از اینجا ناشی میشود. بنابراین با توجه به نقشی که جریان‌های سیاسی و جنبشهای اجتماعی پایدار در سیاست ایران بازی میکنند این روند با تعمیق و گسترده‌تری بیشتری پیش میرود. نه تنها به این خاطر که جریان‌های چپ و حزب ما مایل به ادامه این است. بلکه به این دلیل پایه‌ای که جامعه به ادامه این روند احتیاج دارد. به این دلیل که لزوم تغییر و گذر از یک موقعیت استبدادی و وجود فقر و نابرابری و بیکاری و تحقیر زن و... که بخش جدایی‌ناپذیر ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی است امروز برای مردم غیر قابل تحمل شده است. مردم تصمیم گرفته‌اند که این اوضاع را تغییر بدهند. راه خروج از این برزخ تاریخی که جامعه ایران در آن گیر کرده است را میدانند. مردم به این نتیجه رسیده‌اند که راه خروج جامعه از این موقعیت به چالش‌طلبیدن قدرت سیاسی و کنار زدن جمهوری اسلامی است.

این تصویر در ذهن اکثریت جامعه به یک امر بدیهی تبدیل شده است. همین موضوع در عین حال

مکانیسمهای تغییر جامعه را در جنبشهای اجتماعی ایجاد و گسترش میدهد. جریان‌های سیاسی جدی و بویژه جنبش سوسیالیستی در ایران برای اینکه بتوانند نقش بازی کنند ناچارند این مکانیسمها را بشناسند و در جهت اهداف خود به آن سمت و سو بدهند. در متن چنین اوضاعی جنبشهای اجتماعی و نمایندگان سیاسی آنها و احزاب منبعث از آنها وارد جدال بر سر قدرت سیاسی میشوند. سمت و سوی این جدال تا همین حالا به نفع رادیکالیسم و بالندگی چپ شیب برداشته است.

با توجه به تجربه ۳۱ سال حکومت مذهبی در ایران و عمق تنفر مردم از آن امکان اینکه بعد از جمهوری اسلامی یک حکومت مذهبی "خوش خیم" از جنس جنبش اسلامی به قدرت برسد در حد صفر است. حتی اگر در جریان دست به دست شدن قدرت بخشی از اصلاح طلبان حکومتی بتوانند در قدرت قرار بگیرند، فقط یک امر موقتی و از نوع دولتهای مستعجل است. مردم به سرعت آنها را کنار خواهند زد و جامعه وارد دوران جدال جدیدتر جنبش سوسیالیستی و ناسیونالیستی میشود. جنبش سوسیالیستی با پرچم‌هایی انسان‌ها همه قید و بندهای جامعه سرمایه داری و جنبش ناسیونالیستی با پرچم ناسیونالیسم و ملی‌گرایی در زیر پوشش حقوق بشر و منافع ملی و غیره که تلاش میکنند یک سرمایه داری "مدرن" را در حاکمیت شکل بدهند وارد جدال نهایی خواهند شد.

برخلاف جدال مردم با جمهوری اسلامی که نتیجه آنرا میتوان شکست اسلام سیاسی بطور قطعی اعلام کرد، در جدال ناسیونالیسم و سوسیالیسم پیش بینی برد و باخت ساده نیست. اینجا است که نقش حزب سیاسی کمونیستی و در میدان بودن جنبش کارگری تعیین کننده‌تر از نقشی است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایفا میکنند. اما در این جدال هم زمین به نفع رادیکالیسم و چپ شیب برداشته است. زیرا هنگامیکه مردم در ابعاد توده‌ای به خیابان می‌آیند و انقلاب علیه قدرت سیاسی حاکم قد علم میکند، هیچکس نمیتواند جلو رشد رادیکالیسم و تعمیق مبارزات مردم را بگیرد. با توجه به موارد فوق شانس و امکان قدرت گیری کمونیستها و جنبش کارگری بیشتر

از پیش به ایفای نقش حزب کمونیستی گره می‌خورد.

اینجا است که به این موضوع گری می‌رسیم که نقش جنبش کارگری به عنوان یک طبقه، برای پیروزی جنبش کمونیسم کارگری علیه جمهوری اسلامی و دیگر آلترناتیوهای بورژوازی تعیین کننده است. اما سوال این است چه وقتی جنبش کارگری به عنوان طبقه به میدان می‌آید؟ و یا دقیقتر چرا جنبش کارگری به عنوان یک طبقه و نه احاد هنوز به میدان نیامده است؟ آیا فعالین و رهبران کارگری متوجه این امر مهم نیستند؟ آیا احزاب سیاسی وظیفه شان این است که مرتب تکرار کنند طبقه کارگر باید به میدان بیاید؟ و یا باید موانع این مسیر را شناخت و بر طرف کرد؟ این روزها در دل تب و تاب جنبش انقلابی مردم، این جمله را مثل اوراد مذهبی بارها از جریان‌های چپ شنیده و می‌شنویم که: فقط طبقه کارگر میتواند سیر تحولات را قطعی کند و باید منتظر این اتفاق بود. اما مشکل جریان‌هایی که خود را چپ و کمونیست مینامند تکرار این تز نیست بلکه مشکل آنها این است که موانع مقابل این حرکت را نمیشناسند.

### جنبش کارگری

#### به عنوان

#### یک طبقه باید

#### به میدان بیاید

در پس بیان این مهم درکهای متفاوتی وجود دارد که باید به آنها پرداخت. این درک که گویا کارگران و فعالین و رهبران کارگری به عنوان یک طبقه به این دلیل به میدان نیامده‌اند که متوجه حساسیت اوضاع نیستند. این یک درک سطحی و خرده بورژوازی از جنبش کارگری و محافل و شبکه‌های درونی این طبقه است. گویا توده‌ای از کارگران بی شکل و بی رهبر و بدون درک و بدون تحلیل از اوضاع سیاسی منتظر دستوری از مرکزی خارج از خود است. گویا احزاب سیاسی و یا گروههایی که خود را مدافع کارگران میدانند باید مرتب تکرار کنند و فراخوان بدهند و امر و نهی کنند و به کارگران بگویند که به میدان بیایند و یا چه وقتی به میدان بیایند و...

## از صفحه ۶ پیشروی انقلاب، بالندگی چپ...

اولین مولفه‌ای که باعث میشود چنین درک سطحی‌ای شکل بگیرد این است که کارگران و رهبران کارگری را دست کم میگیرند و به وجود یک گرایش قوی سوسیالیستی و خود آگاه در درون جنبش کارگری قابل نیستند. کسانی حتی پا را از این فراتر نهاده و میگویند که این تحولات جاری در ایران به کارگر مربوط نیست و یا مطالبات کارگران مطرح نشده است و... و گویا به این دلیل هنوز طبقه کارگر وارد میدان نشده است! و ایرنا ناشی از درک درست کارگران میدانند! استدلالهای از این نوع را میتوان رواجیهای خورده بورژوازی نامید که میخواهد بی نقشی و محدودنگری و حاشیه‌ای بودن خود را توجیه کند.

است که فقط بی ربطی خود را به دنیای واقعی و تحولات سیاسی جامعه تاکید میکند. کسانی که با این درک وارد بحث جنبش کارگری شده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که گویا این یا آن حزب سیاسی و یا حتی رهبر کارگری باید فراخوانهای بیشتری به کارگران بدهد که به میدان بیایند. در حالیکه یک وظیفه اساسی احزاب سیاسی و فعالین جنبش کمونیسم کارگری تبیین افق پیروزی و تمهیک و رادیکال کردن همین مبارزات جاری است. با قطعی کردن افقها و منافع طبقاتی طبقات اصلی جامعه میتوان جنبش انقلابی جاری را به سمت پیروزی هدایت کرد. بنابراین این در قدم اول باید همین مبارزات را برسمیت شناخت و جایگاه و اهمیت پیروزی و پیروزی آنرا در استراتژی کسب قدرت سیاسی نشان داد. جریانی که وارد این جدال نمیشود و جنبشها و احزاب و جریانهای غیر انقلابی و ضد انقلابی را مورد نقد قرار نمیدهد و به انتظار یک مهدی موعود نجات دهنده مینشینند، نمیتواند اعتماد کسی را جلب کند.

این نگرش یک نگرش از بیرون است که بعضا از بالا و طلبکار با کارگران حرف میزند. اما اکثر جریانات چپ از سر کارگر پناهی به این موضوع پرداخته‌اند. زیرا خود آنها معلوم نیست در کجای سیاست قرار گرفته‌اند و معلوم نیست به عنوان یک جریان چه نقشی در تحولات سیاسی ایفا میکنند. بی نقشی و بی تاثیری خود را با کارگر پناهی میخوانند جبران کنند.

اما واقعیت چیست؟ چرا کارگران به عنوان طبقه هنوز نتوانسته‌اند به میدان بیایند؟ واقعیت این است که موانعی وجود دارد و باید این موانع را شناخت و برای برطرف کردن آن تلاش کرد. این گره اصلی است و باید از اینجا به سراغ راه حل مورد بحث رفت. به جای امر و نهی کردن به کارگران و یا کارگر پناهی روشنفکر مابانه باید مکانیسمها را شناخت و مشکلات پیش رو را دید و برای تغییر آن قدم برداشت.

## این مشکلات کدامها هستند؟

برای درک این مشکلات اول باید متوجه بود که کارگر دانشجو نیست. کارگر مثل خرده بورژوا نیست. کارگر حتی مثل اقشار کم درآمد مردم عادی و غیر کارگر نیست. کارگر در مبارزاتش نمیتواند ریسک بکند. اولین مشکل این است که کارگران از تشکل سراسری خود محرومند. در شرایط سختی زندگی میکنند و با سرکوب خشنی روبرو هستند. در کنار این فشارها دستمزدها را سر موقع دریافت نمیکند. بنابراین این کارگران اگر بخواهند به عنوان یک طبقه به میدان بیایند در قدم اول باید در میان کارخانه‌ها و مراکز مختلف کارگری یک هماهنگی ایجاد شود، که این میتواند نتیجه یک تشکل سراسری و یا هماهنگی چندین مرکز کارگری مهم باشد.

همگی به این اذعان دارند که کارگران از تشکل سراسری خود محروم هستند. هماهنگی چند مرکز مهم کارگری هم با موانع امنیتی و معیشتی جدی روبرو است. زیرا امکان دستگیری و اخراج از کار و... یک معضل جدی کارگران بویژه فعالین و رهبران کارگری است. میماند اینکه کارگران در این یا آن کارخانه و مرکز کارگری دست بکار شوند که این هم یک ریسک بالا دارد زیرا هم امکان سرکوب آن بیشتر است و هم امکان اخراج، بنابراین این کارگر حاضر نیست این ریسک را بکند. زیرا همین دستمزدهای نیمی و ناتمام هم میتواند قطع بشود و خانواده‌های کارگری از نان خوردن هم بیافتند. کسی که این واقعیات را نمیبیند و فکر میکند با فراخوان و تبلیغ و ترویج کار درست میشود هیچ تصویر واقع بینانه‌ای از زندگی و مشکلات فعالین و رهبران و خانواده‌های کارگری ندارد. البته تاکید بر این موضع نباید باعث ایجاد این درک بشود که احزاب و جریانات سیاسی فراخوانی ندهند و به انتظار سیر خود بخودی اوضاع بنشینند. بحث این است که بدون شناخت از مرکب بودن و چند وجهی بودن و پیچیدگی اوضاع و مکانیسمهای پیشروی جنبش کارگری نمیتوان فقط فراخوان داد و یا به انتظار سیر تحولات نشست. بلکه موانع پیش رو را باید دید و بر طرف کرد. نقش حزب کمونیستی و

همه فعالین جنبش کمونیسم کارگری برای به میدان آمدن جنبش کارگری، و زدن ضربه نهایی در این راستا تعریف میشود. نه تکرار اوزاد ایدئولوژیک و به انتظار ظهور "مهدی موعود" نشستن.

درک و شناخت مکانیسمهای اجتماعی در دل تحولات سیاسی جاری برای پیشروی و فایق آمدن بر این موانع مسئله اصلی و گرهی حزب کمونیستی در جواب به این مسئله است.

به نظر من ر. اصغر کریمی در این زمینه جواب دقیق و راه گشایی مطرح کرده است:

"امروز فاکتور تعیین کننده در پیشروی جنبش کارگری، حضور فعال کارگران و رهبران و فعالین کارگری در انقلاب جاری است. جنبش توده‌ای و سرنوشت سازی در جریان است که سرنوشت همه مردم را و قبل از همه سرنوشت کارگران را رقم میزند. امروز کلید پیشروی در جنبش کارگری قبل از هر چیز در گرو پیشروی این جنبش است. امروز قبل از هر چیز پیشروی کارگران در عرصه سیاست است که راه پیشروی در

عرصه‌های دیگر از جمله تشکل و مبارزات روزمره علیه اجحافات و بی حقوقی‌های کارگران را باز میکند. هر درجه پیشروی در این انقلاب، هر درجه تغییر توازن قوا و عقب راندن حکومت توسط این جنبش توده‌ای انقلابی، امکان پیشروی همه جانبه جنبش کارگری را هم فراهم میکند. هر چه بیشتر جمهوری اسلامی زیر ضرب جنبش سراسری و سرنگونی طلبانه مردم باشد، به همان اندازه در برابر اعتصابات و اعتراضات کارگری ناتوان تر است و جنبش کارگری امکان پیشروی بیشتری پیدا میکند و هر چه حضور کارگران در انقلاب وسیعتر و متشکل تر باشد، هر چه کارگران و رهبران کارگری رنگ خود را بیشتر به این جنبش توده‌ای بزنند، به همان اندازه جنبش کارگری یکپارچه تر و قدرتمندتر میشود و در موقعیت بهتری برای مقابله با کارفرما و دولت قرار میگیرد. بنابراین امروز در دل این انقلاب است که کارگران باید راه پیشروی خود را پیدا کنند. متشکل شدن در کارخانه و در محلات کارگری از جمله سنگرهای مهمی است که کارگران پیشرو و مبارز باید در مقابل خود قرار دهند. پاسخ درست به مساله را باید در اقدام کارگران لوله سازی

خوزستان دید که با استفاده از اوضاع کنونی به خیابان آمدند و مردم به آنها پیوستند و فضای شهر اهواز را تحت تاثیر قرار دادند. اقداماتی شبیه به این باید توسط سایر مراکز کارگری دنبال شود. این اقدامات، هم جنبش عمومی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گسترده تر، قوی تر و رادیکال تر میکند و هم جنبش کارگری را در موقعیت تعرضی تری قرار میدهد. کارگران باید با تمام قوا در این جنبش شرکت کنند و علاوه بر مطالبات و شعارهای سراسری علیه جمهوری اسلامی، آزادی زندانیان سیاسی، لغو آپارتاید جنسی، لغو مجازات اعدام و دفاع از آزادیهای سیاسی و غیره، مطالبات ویژه خود مانند آزادی بی قید و شرط اعتصاب و تشکل، افزایش دستمزد حداقل یک میلیون تومان و سایر مطالبات ویژه خود را طرح کنند. این اقدام هم جنبش سراسری و آزادخواهانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گامها به جلو خواهد برد و هم مهر جنبش کارگری را بیش از پیش بر انقلاب خواهد کوبید."

ما باید متوجه این واقعیت باشیم که اعتصاب و یا مبارزات سیاسی کارگران در یک یا چند کارخانه که همه رهبران و دست اندکاران و فعالین آن شناخته شده و میتوانند بلافاصله زیر ضرب قرار گیرند کار راحتی نیست. تظاهراتهای خیابانی یک خود ویژه گی درونی دارد که همه اقشار و از جمله کارگران هم میتوانند با تقبل ریسک کمتری در آن شریک باشند. اما اعتصاب و مبارزات سیاسی کارگری از چنین ویژگی‌ای برخوردار نیست. در عین حال رژیم حاکم هم متوجه خطر به میدان آمدن جنبش کارگری هست. اگر کارگران بدون در نظر گرفتن این مولفه‌ها دست به اعتصاب و یا اقدام سیاسی خطر آفرین برای قدرت حاکمه بزنند احتمال ضربه پذیری و حتی موفقیت رژیم حاکم برای مرعوب کردن جامعه کم نیست. بنابراین جنبش کارگری و فعالین و رهبران آن علاوه بر موانع پیش رو این واقعیت را هم میبینند و نمیخواهند مبارزات خود را با چنین ریسکی مواجه کنند.

تجربه انقلاب ۵۷ و همین انقلاب جاری هم نشان داده‌اند که در متن انقلاب و هنگامی جنبش کارگری به عنوان یک طبقه اجتماعی

## در مورد تغییر سردبیر انترناسیونال

حزبیتان موفق باشید.

از شماره ۳۳۷ سردبیری نشریه انترناسیونال بعهدہ کاظم نیکخواه خواهد بود. برای رفیق کاظم نیز آرزوی موفقیت دارم.

حمید تقوائی  
۱۷ فوریه ۲۰۱۰

رفیق محسن ابراهیمی عزیز

با درخواست شما برای واگذاری سردبیری انترناسیونال و بعهدہ گرفتن مسئولیت انتشار نشریه تئوریک تحلیلی حزب موافقت میشود. جا دارد از کوششهای بیدریغ شما برای قریب ۶ سال انتشار منظم انترناسیونال صمیمانه قدردانی کنم. امیدوارم کماکان در پیشبرد وظایف

## یک تشکر صمیمانه

رفقای عزیز همکار انترناسیونال

منتشر و توزیع میشود. انتشار هفتگی چنین نشریه‌ای، مسلماً بدون همکاری بیدریغ نویسندگان، تحریریه، پیاده‌کنندگان مباحث و مسئول صفحه‌بندی انترناسیونال ممکن نمیشد. بدین وسیله، از همکاری همه شما عزیزان با انترناسیونال صمیمانه تشکر میکنم.

به میدان می‌آید که رشد اعتراضات و تظاهرات خیابانی به جایی رسیده باشد که امکان دست زدن به یک اعتصاب عمومی و اقدام سیاسی جدی را فراهم کرده باشد. بنابراین تنها هنگامی جنبش کارگری وارد این فاز میشود که درجه رسک آن کمتر و موفقیت آن در میان اقشار وسیع طبقه مسلح به نظر برسد. این امری ارادی نیست که احزاب و یا حتی فعالین کارگری بتوانند به آن مبادرت ورزند. اما از بیان این واقعیت نباید این نتیجه را گرفت که گویا کارگران منتظر خواهند بود که دیگر اقشار اجتماعی فضا را آماده کنند که آنها به میدان بیایند. این فقط میتواند یک کج فهمی از بیان این سیاست باشد. زیرا کارگران هیچ وقت نمیتوانند مبارزاتشان را تعطیل کنند. کارگر مدام در حال مبارزه، اعتراض و اعتصاب بوده و هست. بحث ما اینجا بر سر یک اقدام

## از صفحه ۷ پیشروی انقلاب، بالندگی چپ ...

سیاسی سراسری و یا اعتصاب عمومی برای مطالباتی سیاسی است. این یک فاز دیگر و بالاتر از مبارزات جاری را طلب میکند. علاوه بر شناخت این مکانیسم و برطرف کردن موانع برای وارد شدن به این فاز سیاسی جدی، یک مولفه مهم دیگری را هم باید وارد محاسبه کرد. جنبش کارگری و مردم معترض فقط هنگامی وارد فاز ضربه نهایی میشوند که آلت‌ناتیو حکومتی و رهبر انقلاب خود را انتخاب کرده باشند. این انتخاب و اعتماد یک روزه اتفاق نمیافتد. این یک پروسه در جریان مبارزات مردم است که احزاب سیاسی با سیاست و تاکتیکی که جلوروی جامعه قرار میدهند امکان اینرا فراهم میکنند که جامعه بتواند انتخاب خود را بکند. تا همین حالا سیر رویه افول جریان اصلاح طلب حکومتی و بالندگی چپ و رادیکالیسم در جامعه امکان اینرا بیش از پیش

برویم. از هم‌اکنون از فرصت‌های مختلف برای برداشتن حجاب در مترو و در محلات و در خیابانها باید استفاده کرد. حرکتی که بطور واقعی مدتهاست شروع شده است و باید آنرا گسترش داد. برای این کار بصورت گروهی حرکت کنیم و در مترو و در محلات با شعار دادن و با حجاب برگیران آکسیونهای پرشوری را شکل دهیم. بویژه هشت مارس روز جهانی زن بهترین مناسبت است برای اعتراضی گسترده علیه بیحقوقی زن و تبدیل این روز به یک تعرض سیاسی و گسترده علیه جمهوری اسلامی و جلب همبستگی جهانی در حمایت از انقلاب مردم و جنبش آزادی زن در ایران. روزی که باید به روز تظاهرات بیحجاب تبدیل شود. به استقبال این روز مهم برویم.\*

## انترناسیونال نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر:

محسن ابراهیمی

هیئت تحریریه:

کاظم نیکخواه، فاتح بهرامی، محمد آسنگران

مسئول صفحه بندی: آرش ناصری

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

موعد دریافت مقالات

چهارشنبه‌ها

۱۱ شب بوقت اروپای مرکزی

۵ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

## سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ دور انداختن حجابها ...

در ایران روبرویم. جنبشی که لغو حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی در صدر خواسته‌هایش قرار دارد و امروز عملاً با حجاب برگیران در مناسبت‌های مختلف و در خیابان و مترو و در فرصت‌های مختلف دارد تعرض سیاسی خود را به این رژیم هر روز شدت بیشتری میدهد. به درجه ای که انقلاب جلو تر می‌رود، این جنبش تعرضی تر به جلو می‌رود و نقش زنان را در صف مقدم این جنبش می‌بینیم. تا آنجا که دارند از رنگ زنانه انقلاب ایران سخن می‌گویند.

در این میان اپوزیسیون حافظ رژیم را می‌بینیم، با عنوان اینکه اسلام با حقوق زن تناقض ندارد، حجاب ما را نکشته است و غیره همچون همه عرصه‌های دیگر، تلاش

موازین اسلامی که یک وجه آشکار آن حجاب است، یک تلاش دائمی این حکومت برای محکم نگاهداشتن پایه‌های حکومتش و نشان دادن اینست که حاکمیتش برقرار است. این را مردم خوب میدانند و به چشم خود دیده‌اند که هر وقت حکومت میخواهد مبارزات آنان را عقب براند، فوراً به حجاب زنان گیر داده است. نیروهای سرکوب و اوباش حزب الله را به خیابان ریخته است. تحت عنوان مبارزه با بدحجابی، فضای جامعه را نظامی و مختنق کرده است. بنابراین روشن است که چرا حجاب همواره یک عرصه مهم چالش این حکومت بوده است و ما بطور واقعی با یک جنبش قدرتمند علیه تبعیض علیه زن و بیحرمی و تحقیر زن در جامعه و آپارتاید جنسی

در نگاه داشتن پایه‌های این حکومت داشته‌اند. تلاش در عقب زدن انقلاب و حداکثر محدود نگاهداشتن اعتراضات مردم در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و بازگرداندن اوضاع به دوره خمینی داشته‌اند. بگذاریم که هم‌اکنون زیر فشار انقلاب می‌بینیم که کسانی از همین طیف با بیانیه‌هایی جلو آمده‌اند که در آن به لغو حجاب اشاره کرده‌اند، اما باز وقتی مردم معترض به جلو می‌روند، وقتی در مناسبتی چون ۲۲ بهمن سخن از حجاب برگیران است، این بار تحت عنوان اینکه بهانه بدست حکومت ندیم، نگذاریم اعتراضات "آرام" و "مدنی" ما به "خشونت" کشیده شود، در مقابل این اقدام مردم ایستاده و به دست و پا افتادند و تبلیغاتی گسترده علیه آن برآه انداختند. اما مردم تصمیم خود را گرفته‌اند. جمهوری اسلامی باید

برود و در طول تظاهرات میلیونی مردم در مناسبت‌های مختلف بارها زنان حجاب برداشتند و با این حرکت خود و با شعار مرگ بر دیکتاتور حرف آخر خود را زدند. این را در ۶ دی دیدیم و در ۲۲ بهمن در آریاشهر در تهران دیدیم. واقعیت اینست که امروز در کوران انقلابمان اگر عرصه‌های تعرض به این رژیم را برشمردیم یکی از این عرصه‌های مهم آن پرتاب کردن حجاب است. همانطور که عرصه‌های دیگر تعرض ما باز کردن درب زندانها، اعلام اعتصابات سراسری، به کنترل در آوردن محلات و در خارج کشور بستن سفارتخانه‌های رژیم است. بدین ترتیب باید برای این تعرض سریعتر گام برداشت. از هم‌اکنون به استقبال چهارشنبه سوری بی حجاب و هشت مارس بیحجاب

همچنین دست همه عزیزانی را که چه در ایران و چه در سایر کشورها انترناسیونال را در سطح وسیع توزیع کرده‌اند بگرمی می‌فشارم. به رفیق کاظم نیکخواه، سردبیر جدید انترناسیونال صمیمانه تبریک می‌گویم و برایش در هر چه پربارتر کردن نشریه انترناسیونال آرزوی موفقیت دارم.

محسن ابراهیمی  
۱۸ فوریه ۲۰۱۰

فراهم کرده است که مردم به سیاستهای کمونیستی توجه بیشتری نشان بدهند. نقش احزاب سیاسی و سیاست و تاکتیک مبارزاتی این احزاب تعیین میکند که مردم تا چه حد آنها را مورد اعتماد خود بدانند. تحولاتی که در همین چند ماه گذشته اتفاق افتاده است به درجات زیادی طبقه کارگر و کل جامعه را امیدوار کرده است که تعادل قوا را بیش از آنچه اتفاق افتاده است به نفع خود تغییر دهند. ادامه اعتراضات هم به شکل کنونی و هم دیگر اشکال مبارزه در جامعه خواه ناخواه امکانات بیشتری را فراهم میکنند که کارگران در عرصه سازمان‌یابی و وارد شدن به مرحله اعتصابات سراسری آمادگی بیشتری کسب کنند. لازم به تاکید است که در پیش روی در این پروسه و تعمیق مبارزات و مطالبات مردم نقش حزب کمونیستی و مشخصاً حزب کمونیست کارگری اساسی و تعیین کننده است.\*